

# زبانهای تورکی در ایران

## İRAN'DAKİ TÜRK DİLLERİ DIE TURKSPRACHEN IRANS

پرفسور دکتر گرهارد دورفر Prof. Dr. Gerhard Doerfer

ترجمه: مئهران باهاری

۲۰۰۳

از وثبلاق تورکولوژی-ایران

<http://turkoloji-iran.blogspot.com/>

معرفی ترکولوق برجسته پروفیسور گرهارد دورفر - مئهران باهارلی - ص ۲

نت مترجم - مئهران باهارلی - ص ۵

زبانهای ترکی در ایران - پر.در. گرهارد دورفر - ص ۶

نت: در این ترجمه کلمه "تورکی" معادل Turkic انگلیسی و به عنوان نام خانواده ای زبانی داخل در گروه زبانهای آلتائی؛ و کلمه "ترکی" معادل کلمه Turkish انگلیسی و به عنوان نام یکی از زبانهای داخل در خانواده زبانی مذکور که در غرب آسیا در کشورهای ایران، آذربایجان، گرجستان، ترکیه، عراق، سوریه، شبه جزیره بالکان، قبرس ... بدان تکلم میشود بکار رفته است. با این وصف، "ترکی" معادل شاخه "اوغوز غربی" در تورکی شناسی - در مقابل شاخه "اوغوز شرقی" که "ترکمنی" نام دارد - می باشد. و اما "ترکی آذربایجانی"، لهجه شرقی زبان ترکی مذکور و یا لهجه شرقی شاخه اوغوز غربی است. در برخی از متون اروپائی از "ترکی آذربایجانی" با نام "آزری" یاد می شود. م. ب.

**معرفی ترکولوق برجسته جهانی پرفسور گرهارد دورفر (۸ مارس ۱۹۲۰) ، Prof.Dr. Gerhard Doerfer**  
**و چند اثر وی در زمینه زبان و فولکلور ترکی خلجی، ترکی خراسانی و ترکیشناسی**

تورکی شناس برجسته و آلتائستیک مشهور پروفیسور گرهارد دورفر، یکی از نامهای بسیار مهم دنیای تورکی شناسی (تورکلوک بیلیمی) معاصر، از سیماهای برجسته سنت تورکولوژی آلمانی در تاریخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۳ فوت نمود. من قبلا در وبلاگهای افشار و ائلخان نوشته ای در معرفی برخی از آثار پرفسور گرهارد دورفر درج کرده بودم. فوت این محقق ولود که حیات خویش را وقف زبان تورکی و دیگر زبانهای آلتایی کرده بود ضایعه ای جبران ناپذیر برای علم تورکی شناسی است.

**بیوگرافی کوتاه پروفیسور گرهارد دورفر**

گرهارد دورفر در هشتم مارس ۱۹۲۰ در شهر کونیگبرگ دنیا آمد. کودکی خود را در این شهر و از سال ۱۹۲۸ به بعد در برلین گذراند. وی که از سال ۱۹۳۸ تا سال ۱۹۴۶ در آلمان نازی مشغول کار بوده است، بعدها خدمت سربازی رفته و در جنگ به اسارت در آمد. بین سالهای ۱۹۵۴-۱۹۴۹ در برلین در نزد کارل هاینریش منگس Karl Heinrich Menges به تحصیل تورکولوژی و آلتائستیک؛ نزد R. Hartmann و W. Braune و. و. براهونه W. Braune به تحصیل اسلام شناسی؛ و نزد او. هانسن O. Hansen به تحصیل ایرانشناسی پرداخت. او در سال ۱۹۵۴ تز دکترای خود را با عنوان "در باره سینتاکس تاریخ پنهان مغولها" Syntax der Geheimen Geschichte der Mongolen (Geheimen Geschichte der Mongolen) پایان رساند و بین سالهای ۱۹۵۷-۱۹۵۵ دوره آسیستانی خود را در آکادمی علوم و ادبیاتهای ماینز (Akademie der Wissenschaften und der Literatur) گذراند. در سال ۱۹۶۰ در گوتینگن تز استادیاری خود را نوشت. از سال ۱۹۶۳ بخش تورکیشناسی و آلتائستیک را گسترش داد. در سال ۱۹۶۶ به پرفسوری فوق برنامه دعوت گردید. مابین سالهای ۱۹۶۸-۱۹۶۶ در دانشگاه بلومینگتون آمریکا به عنوان عضو علمی مسافر فعالیت کرد. در سالهای ۱۹۶۸، ۱۹۶۹ و ۱۹۷۳ برای تحقیق و بررسی زبانهای تورکی خلجی و زبانهای تورکی اوغوزی به انجام سفرهای تحقیقاتی شروع کرد. از سال ۱۹۷۰ در دانشگاه جورجیا آگوستا به اوردیناریوس پروفیسوری کرسی تازه تاسیس شده تورکی شناسی و آلتائستیک ارتقا مقام داده شد. پاییز سال ۱۹۷۶-۱۹۷۵ را، به عنوان کادر مسافر هیئت علمی در استانبول گذراند. در ۱۹۸۸ بازنشسته گردید. تا سال ۲۰۰۱ به عنوان عضو هیئت علمی به فعالیت خود ادامه داد. پرفسور گ. دورفر در تاریخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۳ فوت کرد. (بیوگرافی فوق به قلم پرفسور سلطان تولو است).

**عناصر تورکی و مغولی در زبان فارسی**

پروفیسور دورفر به تعبیری پدر تورکی شناسی ایران به شمار میرود. وی آثار بسیاری در باره تورکی شناسی ایران و زبان و لهجه های تورکی در ایران، به ویژه در باره تورکی خلجی، لهجه های خراسانی زبان ترکی، لهجه سنقری ترکی آذربایجانی، دیگر زبانهای تورکی اوغوزی در ایران و همچنین رابطه زبانهای تورکی و زبانهای ایرانی تالیف نموده است. وی نخستین کسی است که زبان تورکی خلجی را به عنوان یک زبان تورکی مشخص، به طور همه جانبه ای تدقیق و به عالم علم معرفی نموده است.

اما در این میان به نظر من اثر عظیم "عناصر تورکی و مغولی در فارسی نوین" که محصول رنج و فعالیت فوق انسانی است به تنهایی میتواند شاه اثر این عالم برجسته بشمار رود. در این اثر حجیم (چهار جلد، جمعاً حدود ۲۷۰۰ صفحه) ریشه شناسی تاریخی، تنقیدی و مقایسه ای هزاران کلمه تورکی موجود در زبان فارسی، تاریخ تحول صورت هر کلمه و سیر تحول معانی آنها، همراه با توضیحات مدخلهای بیشمار و گسترده داده شده و برای اولین بار بسیاری از نکات تاریک مبهم تورکی شناسی، زبانشناسی، ریشه شناسی و ایرانی شناسی روشن گردیده است.

*DOERFER, Gerhard. Türkische und mongolische Elemente im Neupersischen unter besonderer Berücksichtigung älterer neupersischer Geschichtsquellen vor allem der Mongolen- und Timuridenzeit. Wiesbaden (Franz Steiner Verlag), 1963 – 1975. (Akademie der Wissenschaften und der Literatur. Veröffentlichungen der Orientalischen Kommission. 16, 19-21.) 4 vols.*

*I: Mongolische Elemente im Neupersischen. xlviii, 557pp.*

*II: Türkische Elemente im Neupersischen, alif bis ta. (4), 671pp.*

*III: Türkische Elemente im Neupersischen, gim bis kaf. (2), 670pp.*

*IV: Türkische Elemente im Neupersischen (Schluss) und Register zur Gesamtarbeit. (2), 640pp.*

قابل ذکر است که واژگان بررسی شده در این اثر تنها بخشی از کلمات تورکی موجود در زبان فارسی است. زیرا در این اثر تنها واژگان تورکی-مغولی موجود در برخی از متون تاریخی قدیمی فارسی نوشته شده مابین سالهای ۱۷۰۰-۱۰۰۰ با تاکید بر دوره مغولی-تیموری گردآوری شده اند. علاوه بر آنکه همه متون فارسی در این پرپود زمانی بررسی نشده است، هزاران واژه تورکی و مغولی وارد شده به زبان فارسی قبل از سالهای ۱۰۰۰، نیز بعد از ۱۷۰۰، همچنین هزاران واژه تورکی موجود در زبان محاوره ای فارسی و لهجه های معاصر آن (تهرانی، اصفهانی، مشهدی، ... و لهجه های فارسی در افغانستان) ذکر نشده اند.

همانطور که میدانیم در ایران و برای زبان فارسی تاکنون هیچ لغتنامه ریشه شناختی علمی تالیف نشده است. فرهنگ نویسی ریشه شناختی به روشی علمی و مبتنی بر اصول زبانشناسی هنوز به میان فرهنگ نویسان فارسی راه نیافته است. میتوان گفت که صفت مشخصه فرهنگ نویسی معاصر فارسی فقر روش، فقر اطلاع نسبت به علم ریشه شناسی و زبانشناسی تاریخی است. مولفین اغلب لغتنامه های فارسی مانند معین، نفیسی، دهخدا، داعی الاسلام و ... عمدتاً هیچکدام زبانشناس و ریشه شناس نبوده و یا دقیقتر همه فرهنگ نویسانی آماتور بوده اند. علاوه بر آن در ایران علی رغم اینکه اکثریت جمعیت کشور را ترکها تشکیل میدهند و این کشور موطن اقلا شش خلق تورکی است (ترک، ترکمن، قزاق، خلج، ازبک، اویغور) هیچگونه مرکز و نشریات آکادمیک و علمی تورکی شناسی، دانشکده و دانشگاه زبان و ادبیات تورکی و فرهنگستانهای تاریخ، فرهنگ و هنر تورکی وجود ندارد. از طرف دیگر اکثر فرهنگ نویسان فارس اساساً با زبان و ادب ترکوی بکلی بیگانه اند، اینها نه با تورکی باستان و نه با تاریخ هزار ساله تورکی ایران، ادبیات ترکی مکتوب و شفاهی، ترکی معاصر و لهجه های رایج آن در ایران آشنا نبوده اند. اگر به این همه، دشمنی و کینه توزی سه نسل گذشته محافل رسمی، دولتی و تحقیقاتی ایران با زبان و فرهنگ ترکی را نیز بیفزاییم متوجه خواهیم شد که به چه سبب لغتنامه های فارسی

از جنبه ریشه‌شناسی بویژه در عرصه هزاران واژه تورکی موجود در زبان فارسی و ریشه‌شناسی آنها تا به این حد غیرعلمی، نارسا، مغلوط، آشفته و حتی بی ارزش اند.

در لغتنامه‌های فارسی حتی در معتبرترینشان مانند معین اغلب واژه‌های تورکی در زبان فارسی به اشتباه ریشه‌شناسی شده و به عنوان کلماتی فارسی تقدیم میشوند. در این فرهنگها حتی کلمه‌ای مانند آچار نیز به عنوان کلمه‌ای فارسی ریشه‌شناسی شده است. در باره اندکی از آنها که به تورکی بودنشان اشاره می‌گردد غالب اوقات ریشه‌شناسی عامیانه‌ای داده میشود. به تلفظ واژه‌ها در زبان اصلی یعنی تورکی، پیشینه واژه‌ها، مقوله دستوری واژه‌ها و... یا اشاره نمیشود و یا به توضیحات بسیار پراکنده، ناقص و حتی ادعاهای تماما غلط اکتفا میشود. از اینروست که به نظر من ترجمه "عناصر مغولی و تورکی در فارسی نو" به فارسی و ترکی و چاپ آن در ایران یکی از نیازهای مبرم و اساسی جامعه علمی و فرهنگ ایران و همچنین زبانهای فارسی و ترکی است.

### لیست بخشی از آثار دوئرفر:

در زیر نام چند اثر دیگر از آثار متعدد پروفیسور گرهارد دورفر، در باره زبانهای تورکی در ایران را می‌آورم. علاقه مندان برای خواندن مشخصات آثار زیر میتوانند به وبلاگهای افشار و ائلخان مراجعه کنند. متأسفانه تا آنجا که من میدانم تاکنون هیچکدام از این اثرها نه به زبان ترکی و نه به زبان فارسی در ایران نشر نشده است.:

- ۱- ملزمه خلیج (Khalaj materials)
  - ۲- متون فولکلور ترکی از خراسان (Türkische Folklore-Texte aus Chorasán)
  - ۳- واژه نامه خلجی - لهجه خراب (Wörterbuch des Chaladsch: Dialekt von Charrab)
  - ۴- متون فولکلوریک خلجی (Folklore-Texte der Chaladsch)
  - ۵- جغرافیای زبانی و لکسیک خلجی در دو جلد (Lexik und Sprachgeographie des Chaladsch 2 vols)
  - ۶- اوغوزی ایران (Oghusica aus Iran)
  - ۸- ملزمه اوغوزی جنوبی از ایران و افغانستان (Südoghuische Materialien aus Afghanistan und Iran)
  - ۹- ترکی سونقوری - گزارشی پروویژینال (Ein vorläufiger Bericht) Das Sonqor-Türkische
  - ۱۰- تاثیر زبان و ادبیات فارسی در میان ترکان (The Influence OF Persian Language and Literature among the Turks)
  - ۱۱- تماسهای زبانی ترکی-ایرانی (Turkish-Iranian Language Contacts)
  - ۱۲- زبانهای تورکی در ایران
  - ۱۳- گزارش سفری تحقیقاتی به ایران
- .....

## نت مترجم

نوشته زیر ترجمه یکی از مقالات پروفیسور دوئرفر در باره زبان و لهجه های ترکی در ایران است که به سبب نشان دادن سیر تکاملی دانش ما از زبانها و لهجه های تورکی در ایران در سؤزوموز درج می شود. این مقاله که بیش از سی و پنج سال پیش نگاشته شده، یکی از نخستین کوششها در دسته بندی جامع زبان و لهجه های تورکی در ایران میباشد. از اینرو طبیعی است که در آن نقصان و کمبودهایی وجود داشته باشد. برخی از اینگونه نقصانها با مرور زمان و تجمع و آنالیز داده های نو و انجام بررسی های میدانی و آکادمیک جدیدتر تصحیح شده اند. از آن جمله:

الف- در مقاله ادعا شده است نفوس تورکان ایران اعم از ترک، ترکمن و خلج حدود یک ششم مردم ایران (حدود ۱۷ درصد) است. در حالیکه امروز به قطعیت می دانیم نفوس ترکان ایران به تنهایی و بدون در نظر گرفتن ترکمنها و خلجها بین دو تا سه برابر این رقم یعنی بین ۳۴ درصد تا ۵۱ درصد جمعیت ایران است.

ب- در مقاله احتمال ترک بودن بربرهای ساکن در خراسان مطرح شده است. در ایران طایفه ترکی بنام بوربور وجود دارد که در آذربایجان (اورمیة، ورامین)، افشاریورد (بجنورد) و قاشقای یورد (داراب) ساکنند. بخشی از اینها امروزه کردزبان شده اند. اما بربرها و یا هزاره های شرقی گروهی تاجیک زبان در نواحی شمال شرقی و شرق ایران اند که همراه با دره زینات و یا هزاره های غربی با نام عمومی خاورها شناخته می شوند.

پ- در مقاله از ترکی آذربایجانی به شکل ترکی آذری و یا آذری نام برده شده است. امروزه اجماع بر نادرستی این نامگذاری و استعمال نکردن آن است.

در این مقاله جمعا از یازده زبان و لهجه (محتملا) تورکی رایج در ایران سخن رانده شده است. ما امروز می دانیم که این یازده مورد را می توان به صورت لهجه های سه زبان ترکی، ترکمنی (شماره ۴) و خلجی (شماره ۱۰) تصنیف کرد. در واقع آنچه در مقاله تحت عنوان زبان خراسانی (شماره ۱۱) آمده چیزی به جز گروه لهجه های خراسانی زبان ترکی و آنچه تحت عنوان ترکی آذربایجانی (آذری) (شماره ۱)، ایناللو (شماره ۲)، قشقائی (شماره ۳)، سلجوقی (شماره ۵)، بربری (شماره ۹)، جغتائی و قپچاقی (شماره های ۷ و ۸) و زبانهای ترکی در مکران و بلوچستان (شماره ۶) آمده چیزی به جز لهجه های گوناگون داخل در گروه لهجه های آذربایجانی زبان ترکی نیستند. بنابراین به جز ترکمنی و خلجی که دو زبان تورکی مستقل بشمار می روند، هیچکدام از این لهجه ها که در متن مقاله از آنها به شکل زبان یاد شده است، زبان مستقلی نبوده و همه - هم به لحاظ زبانشناسی، هم به لحاظ ادبی و هم به لحاظ سیاسی- لهجه های زبان ترکی در ایران به شمار می روند.

تصویر دقیق و تقسیم بندی زبانهای رایج زبانهای داخل به خانواده زبانهای تورکی در ایران چنین است: "زبان ترکی" در ایران صرفا دارای دو گروه لهجه عمده متشکل از "آذربایجانی" (شامل همه لهجه های ترکی رایج در شمال غرب و جنوب ایران از جمله قشقائی و ایناللو ... و همچنین لهجه سنقری در شهرستان سنقر آذربایجان و برخی از لهجه ها در شمال شرق ایران) و "خراسانی" (شامل بسیاری از لهجه های ترکی در شمال شرق ایران و نیز لهجه ایبوردی در جنوب ایران) است. علاوه بر "زبان ترکی"، از دیگر زبانهای داخل در خانواده زبانهای تورکی، زبانهای "ترکمنی"، "خلجی"، "قزاقی" و به مقدار بسیار کمی "ازبکی" و "اویغوری" نیز در ایران رایجند. متکلمین زبان خلجی در خلجستان آذربایجان جنوبی و متکلمین بقیه زبانهای تورکی فوق الذکر در شمال شرق ایران ساکنند.

مئهران باهارلی

## زبانهای تورکی در ایران

گرهارد دوئر فر Gerhard Doerfer

ترجمه: مئهران باهاری

ایران از جمله کم شناخته شده ترین مناطقی است که به زبان ترکی در آنها صحبت میشود. در حالیکه حدود یک ششم مردم ایران به زبان ترکی سخن میگویند تمام لهجه های ترکی رایج در ایران بسیار کم تدقیق شده اند. این وضع ناشی از شرایط سیاسی نیز هست. ایران کمابیش به مدت هزار سال تحت حاکمیت خاندانها (و ارتشهای) ترک قرار داشته است. و این مسئله به نوبه خود سبب ایجاد درجه معینی از حس کینه گردیده است و از اینروست که انتشارات مربوط به فرهنگ و زبان ترکی از استقبال کمی برخوردار شده و با حسن نظر بدانها نگریسته نشده است. همانگونه که قابل تصور است این رویه به سبب حرکات استقلال طلبانه آذربایجانی پس از جنگ جهانی دوم (این نکته هم قابل ذکر است که این حرکت به طور وسیعی از خارج حمایت میشد) و جنگهای طائفه ای بلا انقطاع قاشقایها تشدید شد. اما تحت تاثیر گرایش به لیبریزاسیون که در تمام شئون کشور در حال جایگیری است (گشایش مدارس و بیمارستانها، راهسازی، اصلاحات ارضی و غیره) امکانات شناخت و بررسی زبانهای ترکی ایران هم تدریجا افزایش مییابد. در تابلویی که از این بررسی بدست میآید ایران نه تنها به عنوان کم شناخته شده ترین منطقه ترک زبان، بلکه در عین حال به صورت جالبترین آنها نیز جلوه گر میشود. این تابلو هنوز خطوط قطعی خود را پیدا ننموده است. در موارد بسیاری فقط بعضی حدس و گمانها وجود دارد و در بسیاری جاها نیز اشارات بسیار مبهم و طرحهای ابتدائی در دست داریم. اما این هم هست که آینده محققا ارمغانهای بسیار گرانبغری تقدیمان خواهد کرد.

تاکنون وجود چهار زبان ترکی در ایران مفروض بود (اینها را نه زبان، گروه لهجه ها نیز میتوان نامید). در باره این چهار گروه مختصرا توضیحی میدهم:

(۱) - ترکی آذربایجانی (آزری): جهت بدست آوردن محدوده انتشار این زبان به نقشه موجود در *Philologiae Turcicae Fundamenta, I, Aquis Mattiacis*, 1959 مراجعه کنید. این زبان از سوی چندین میلیون تن، مخصوصا در شمال غربی کشور صحبت میشود. مهمترین ناحیه ای که بدان صحبت میشود، تبریز است. این زبان شناخته شده ترین زبان ترکی در ایران است. در باره آن آثاری در مقیاس وسیع از سوی اروپائیان منتشر شده است. (به *Philologiae Turcicae Fundamenta* صفحه ۲۸۱ و کتابشناسی متعاقب آن مراجعه کنید). در ایران نیز گهگاه در مورد ترکی آزری ایران، کتب گرامر کوچکی منتشر میگردد. در اینجا فقط به بهترینشان اشاره میکنم. م. ع. فرزانه، مبانی دستور زبان آذربایجان، تبریز، ۱۳۳۴ شمسی. (این دستور زبان، با نمونه قرار دادن اثر زیر نوشته شده است: *Muharrem Ergin, Osmanlıca Dersleri, I, Türk Dil Bilgisi, İstanbul* (1958, 2. baskı 1962)

هر چند که این زبان نسبت به بقیه شناخته شده تر است اما نکات خالی بسیاری در تدقیق آن نیز موجودند. این مطلب را شماره آثار چاپ شده نیز روشن میکند. در ایران پس از جنگ جهانی دوم در مورد دستور زبان ترکی آذربایجانی فقط ۲۰ تدقیق چاپ شده است (اطلاعات مفصل در باره این آثار را در اثر زیر نشر خواهم کرد: *Irano-Altaica, Current Trends in Linguistics IV*)

در مقابل در طول همین مدت در آذربایجان شوروی در باره زبان ترکی آذربایجانی بیش از ۱۰۰۰ اثر چاپ شده است. از مهمترین خلاء های موجود این است که شیوه های بسیار ترکی آزری هنوز بسیار کم بررسی گردیده اند. به عنوان مثال، در ساحل جنوب شرقی دریای خزر، در گلوگاه و هشتیکه شیوه ای از ترکی آزری وجود دارد که در آن تغییر ü به u و ö به ə رخ داده است. (این امر در نقشه *Philologiae Turcicae Fundamenta* اصلا نشان داده نشده است). به عنوان نمونه در این شیوه اوچ-۳ (üç) به اوچ (uç) ، یوز-۱۰۰ (yüz) به یوز (yuz)، دؤرت-۴ (dört) به درت (dært) ، گوژ-چشم (göz) به گز (gəz) تبدیل میشود. بیشک بررسی شیوه های آزری ایران، تابلویی بسیار رنگینتر از آنچه از بررسی لهجه های ترکی ترکیه در آنادولو حاصل شد، بدست خواهد داد.

(۲) - ایناللو و (۳) - قشقائی: این دو فوق العاده به ترکی آزری شبیه اند. حتی میتوانند به عنوان لهجه های ترکی آزری نیز نشان داده شوند. در جنوب شرقی شیراز (ایناللو) و در شمال غربی آن (قشقائی) صحبت میشود. جهت بررسیهای چاپ شده در موردشان مراجعه کنید به PTF ص ۲۸۱. با وجود اینکه مئنگس (Menges) ملزمه بسیاری در مورد این زبانها گردآوری نموده بود، متأسفانه هنوز به چاپ نرسیده اند. به عقیده وی (بر خلاف بسیاری از تورکولوگهای دیگر) این زبانها نمیتوانند به عنوان شیوه های ترکی آزری قبول شوند و به لحاظ خصوصیات عدیده ای، بیش از ترکی آذربایجانی به ترکی ترکیه نزدیکترند. در باره لهجه قشقائی مقداری ملزمه نیز از سوی دانشجویانم در سال ۱۹۶۸ جمع آوری شده است. (مقایسه کنید با ماده ۱۰). چاپ و انتشار هر چه سریعتر تمامی این ملزمه ضرورت دارد.

(۴) - ترکمنی: طبق نقشه *Philologiae Turcicae Fundamenta* در منطقه ای که از قسمت جنوبی جمهوری ترکمنستان شوروی (به طور تقریبی از گرگان) و از ساحل جنوب شرقی دریای خزر آغاز میشود و به صورت قوس وسیعی تا مرز افغانستان (و در ادامه آن تا نواحی داخلی افغانستان هم) امتداد مییابد، صحبت میشود. (برای عدم تطابق کامل نقشه های داده شده با واقعیت به ماده ۱۱ نگاه کنید). ترکمنی ایران (بر خلاف ترکمنی شوروی) بسیار کم تدقیق شده است. بیشک گهگاه ملزمه ای از این زبان نیز چاپ و در باره شان بررسیهای علمی هم صورت میپذیرد. مثلا Yusuf Azmun, *Türkmen Halk Edebiyatı Hakkında*, s. 38, (Reşid Rahmeti Arat için, *Türk Kültürünü Araştırma Enstitüsü Yayınları*, 19, Seri: I Sayı: A 2, Ankara 1966) اما در نگاه کلی، این بررسیها بسیار نارسا میباشند.

میشود گفت که حتی چهار زبان تورکی شناخته شده ایران هم تاکنون بسیار کم بررسی شده اند و شیوه های این زبانها غالباً یا اصلاً شناخته نشده اند و یا بسیار کم تدقیق گردیده اند. اکنون میخواهم در مورد زبانهای تورکی ایران که تاکنون ناشناخته مانده اند صحبت کنم. نخست پنج زبان را که به شکلی قطعی تثبیت نگردیده اند، اما به طور مبهم اشاراتی بدانها شده است، میشمارم:

(۵) - در K. H. Menges, *Research in the Turkic dialects of Iran (Preliminary report on a trip to Persia)*, Oriens 4 (1951), s. 279 از زبان سلجوقی که در جنوب و جنوب غربی کرمان بدان صحبت میشود بحث شده است. یعنی زبانی ترکی در محلی بسیار دور افتاده در شرق ایران. افسوس که مئنگس نتوانست فرصت تدقیق زبان سلجوقی را پیدا کند.

(۶) - به نظر مئنگس، ص ۲۷۹، در بلوچستان و مکران یعنی کاملاً در جنوب شرقی ایران نیز ترکانی هستند. اما حتی نامهای این قبایل ترک نیز دانسته نیست. از اینرو موجودیت و یا عدم موجودیتشان به قدر کافی شبیه دار است.

(۷) - و (۸) - طبق نامه (Bloomington) László Szimonisz که به سال ۱۹۶۵ در جنوب ایران بوده است، در جنوب تهران دهاتی هستند که به زبان جغتائی (ترکی شرقی) و قیچاقی سخن میگویند. بخشهای مهم این نامه را که از استانبول به اینجانب فرستاده است را نقل میکنم: "از ۲۸ تموز ۱۹۶۵ تا اواسط آوگوست در جنوب ایران، در اطراف شیراز و اصفهان بودم. هیچ چیز در باره ترکان جنوب ایران ننوشتیم. ملزمه بسیار اندکی در دست دارم. اما متأسفانه آن هم پیشم نیست. بررسیهایی در مورد بعضی کلمات انجام دادم و شباهت بسیار بزرگی بین آنها و ترکی غربی (قیچاقی) مشاهده نمودم. شخصی که در راه با وی آشنا شده بودم از دو روستا در نزدیکی شهر رضا شاه (در راه اصفهان، ۹۰ کیلومتری جنوب تهران) برایم سخن گفت. گویا یکی لهجه غربی و دیگری لهجه شرقی را بکار میبرد. شخصی که این اطلاعات را به من دارد میگفت که از طائفه سمرقند بوده و به زبان جغتائی صحبت میکند. در عین حال سیستم شمارشی ای که امروزه بکار میبرند به سیستمی که در کتیبه های اورخون استفاده شده است بسیار شباهت دارد".

تاکنون وجود یک لهجه اویغوری و یک لهجه قیچاقی که شمارش -لایه های- فوقانی ترکی باستانی را حفظ کرده باشند در ایران معلوم نبود. افسوس که اینجا نیز بررسیهای نتیجه داری وجود ندارند. شاگردانم در سال ۱۹۶۸ دهات مزبور را جستجو کرده اما نیافته اند.

(۹) - بنابر اثر حسینعلی رزم آرا، فرهنگ جغرافیائی ایران، تهران، ۱۳۲۷ شمسی، (و جلد های دیگر کتاب در سالهای آتی) در شمال شرقی ایران (خراسان) دهات بسیاری که اهالیشان به زبان بربری سخن میگویند وجود دارند. در این مورد، نقشه ای از طرف مدرس سمینار ایرانیستیک دانشگاه گوتینگن آقای پرویز رجبی آماده چاپ است. (که در ضمن موقعیت زبانی در خراسان را به طور کلی نشان داده و موارد ۴ و ۱۱ نیز را در برخواهد داشت). به استناد سخنان آقای رجبی زبان بربری میتواند لهجه ای ترکی باشد. اما خود وی نیز به عدم قطعیت این ادعا معترف است. در این مورد هم نخست، انجام بررسیهایی مفصل ضروری است. فقط در اثر H. F. Schurmann, *The Mongols of Afghanistan, 's-Gravenhage, 1962* صفحه ۱۱۴ اینکه بربرها از هزاریها یعنی تاجیکهائی که دارای قیافه مغولی باشند محتملتر مینماید. (این مطلب از طرف Semih Tezcan گفته شده است).

بنابراین شمارش زبانهای ترکی ایران را که تاکنون معرفی شده و بررسی نشده اند بپایان بردیم. مقاله مان را با معرفی دو زبان ترکی که تاکنون شناخته نشده بودند، اما اخیراً به طور همه جانبه ای بررسی شده و دیگر دارای ملزمه کافی هستند، ختم میکنیم:

(۱۰) - نخست با زبان خلج که به فاصله ۲۰۰ کیلومتری از جنوب غربی تهران صحبت میشود، آغاز میکنیم. موقعیت خاص این زبان تاکنون معلوم نبود. (مثلاً منگس در اثر فوق الذکر خود، صفحه ۹ و ۲۷۸ خلجی را لهجه ای از ترکی آذربایجانی نشان داده است. در سالهای ۱۹۰۶ و ۱۹۱۷ منورسکی قیدهایی از این زبان به عمل آورده و در سال ۱۹۴۰ از سوی وی مقاله ای ( *The Turkish Dialect of the Khalaj, BSOAS 10:2, 417-437*) منتشر و در همان سال محقق ایرانی م. مقدم مجموعه ای از کلمات (گوشیهای وفس و آشتیان و تفرش. ایران کوده ۱۱، تهران ۱۳۱۸ شمسی) را چاپ کرده است. نویسنده این مقاله موفق به اثبات این مطلب شد که خلج نه تنها شیوه (کمی دور افتاده) زبان ترکی آزری نیست، حتی زبان تورکی معینی نیز نبوده، بلکه گروه



مشخصی از زبان تورکی را تشکیل میدهد. ( Das Chaladsch- Eine Archaische Türksprache in Zentralpersien, ZDMG 118, 1968 79-112).

خانواده زبانهای تورکی میتوانند به هفت گروه تقسیم شوند:

۱- چوواش

۲- تورکی جنوب غربی یا اوغوز (ترکی ترکیه و غیره)

۳- تورکی شمال غربی یا قبچاق (تاتاری قازان و غیره)

۴- تورکی جنوب شرقی یا اویغور (ازبکی و غیره)

۵- تورکی شمال شرقی یا سیبریای جنوبی (تووین و غیره)

۶- یاقوت

۷- خلیج

در حالیکه خلیج کوچکترین گروه را تشکیل میدهد (تقریباً از سوی ۲۰۰۰۰ نفر در ۴۶ روستا صحبت میشود) همراه با چوواش مهمترین این گروههاست. زیرا نشاندهنده قدیمیترین خصوصیات است. در این زبان نه فقط "d-" "d-" (باستان تورکی بلکه "ه" "پ- به ف- (h- (p- به f-) تورکی مادر متاخر نیز مشاهده میشود. مثلاً در خلیج هاداق - hadaq (چوواش: اورا-ura، ترکی ترکیه، تاتاری قازان، ازبک: آیاق-ayak، تووین: آداخ- adax یا آتاخ-atax). وجود "ه" قدیم در نخستین حرف کلمه به صورت تک و توک در بعضی از زبانهای تورکی معلوم بود (مثلاً در آزری و اویغوری نو: هؤل-höl؛ ازبک: هول-hol؛ خلیج: هیل-hiel، هؤؤل-hööl به معنی خیس). اما فقط خلیج است که به روشنی تعویض "Ø" در نخستین حرف کلمه را با "ه" در نخستین حرف کلمه به گونه ای سیستماتیک محافظه کرده است. (دو مصوت a- و â- در نخستین حرف، مثلاً â=اسم، at=اسب در تورکی باستان، در بسیاری از زبانهای تورکی مدرن مثل هم اند: در آزری ad=اسم و at=اسب، اما در خلیج âat=اسم و hat=اسب).

باز خلیج تنها زبان تورکی است که مصوت کوتاه با مصوت کشیده ساده â و مصوت دیفتونگ شده کشیده را به عنوان کیفیتهای سه گانه مصوت در زبان تورکی مادر حفظ نموده است. (مثلاً a و â و âa را). به همین دلیل میشود مواردی را که در کاشغری با صدادار کشیده و در عوض در تورکی (و یاقوتی) با مصوت کوتاه نشان داده میشوند و ما آنها را تاکنون استثناء مینامیدیم توضیح داد. تابلوی کوچکی بدهیم: گروه اول (â, ê, î, ô, ö, û, ü) صدادارهای کشیده و گروه دوم (ā, ē, ī, ō, ū) صدادارهای نیم کشیده را نشان میدهد. باید این نکته را نیز روشن کنم که در موارد غیرتاکیدی و یا حین مکالمات سریع تمایل به کوتاه شدگی مصوت کشیده موجود است.

صدادار a			
ad آد	baş باش	at آت	ترکی (آزری)
ât آت	baş باش	at آت	ترکمنی
ât آت	bâş باش	at آت	کاشغری
âat آت	bâş باش	hat هات	خلیج

صدادار o			
od اود	qol قول	tox توخ	ترکی (آزری)
ôt اوت	gol قول	dok دوق	ترکمنی
ôt اوت	kôl کول	tok توق	کاشغری
hûot هوت	gol-quôl قول	tox توخ	خلج

در باره بررسی این زبان این اطلاع را میبایست بدهم: در مارس ۱۹۶۸ سه تن از شاگردانم Semih Tezcan, Hartwg Schintharlt, Wofram Hesche از طرفم سفری تحقیقاتی انجام دادند. (به سبب ماموریت بسیار از قبل تعیین شده ام به عنوان استاد مهمان در آمریکا، از این سفر تحقیقاتی باز ماندم). شاگردانم از این سفر ۹ نوار کاست پر خلجی و مقداری ملزمه از لهجه قشقائی به همراه آوردند. در همان سال مقاله فوق الذکر در ZDMG منتشر شد. به سبب تحریر این مقاله در سال ۱۹۶۷ ملزمه ای که دانشجویان همراه خویش آورده بودند در آن منظور نشده بود. و فقط بر اساس آثار مینورسکی و مقدم تنظیم شده بود. در مقاله فوق الذکر دیگرم که در Current Trends چاپ خواهد شد، نیز توضیحاتی در مورد زبان خلج نوشتم. علاوه بر این در کنگره شرقشناسان آلمان در Würzburg کنفرانسی در مورد زبان خلج داشتم. متن این کنفرانس در میان مقاله های کنگره چاپ خواهد شد. در این سفر ملزمه اولین سفر به خلجستان ارزیابی گردیده است. در مارت ۱۹۶۹ دومین سفر تحقیقاتی را همراه با پرویز رجبی و سمیه تیزجان (تنها فرد اشتراک کننده در هر دو سفر) انجام دادیم. ملزمه جمع آوری شده در این سفر بسیار بیش از سفر نخستین بوده است. قبل از آن در تاریخ ۱۹۶۸ کتاب Khalaj Materials, cilt I بر اساس ملزمه سفر نخست جهت انتشار به Altaic and Uralic (Bloomington) فرستاده شد. در این کتاب چندین متن داده شده و اهمیت زبان خلج از دید تاریخ، زبانهای تورکی مطرح شده است. جلدهای بعدی این سری شامل موضوعات زیر خواهد بود: جلد II- متون باقیمانده، جلد III- دستور کامل زبان، جلد IV- اطلس منطقه خلج.

جهت بدست آوردن فکری تقریبی از موقعیت خاص این زبان تورکی، متنی از روستای خراب میدهم. این شعر را آقای مسیب عرب گل در سال ۱۹۶۸ نوشته و اولین سند کتبی ادبیات خلج بشمار میرود. (خلجها صاحب ادبیات مخصوص به خود بویژه ادبیات کتبی نیستند). این را نیز متذکر میشوم که سیستم آوانگاری در این متن ساده گردیده است (بدین ترتیب مصوتهای باز و بسته را به صورت جداگانه نمایش نمیدهم. برای بدست آوردن اطلاعات مفصل موجد در مورد فوتنیک بسیار پیچیده زبان خلج مراجعه کنید به Khalaj Materials cilt I. همیشه لبی (labial) است و تلفظ میشود. ğ دائما به صورت ğ تلفظ میشود، (مانند کلمه آغ و نه با صدایی مثل دویون).

Nahâr bâşuy tiki yêl hâpsə' r-ərti نهار باشوی تیکی یئل هپسر-ارتی  
 Yüzüyü bî hâçuk bî bəktə' r-ərti یوزویو بی هاچوق، بی بکتر-ارتی  
 Əgər quosəy bî hâlâ bōduya vaqsam (۱) واقسام اگر قوسه ی بی حالا بودویا  
 Səvâbi səyə ha' cc-i əkbər ərti صوابی سه یه حجج-ی اکبر ارتی  
 Köziy ceyrân közidə xeyli yətər کۆزیی جئیران کۆزیده خئیلی یه تر

Qaşuy âsmân kəmânida kəmântar (۲) کمانتر آسمان کمانیدا  
 Heykəlüy nêşəkə mânutmaq òlur (۳) اولور هیئکه لوی نئه که مانوتماق  
 Sinobə'r-vâra' hây dum yâ ki yətər (۴) سینوبروارا هایدوم یا کی یه تر  
 Mən òn yî'l-ər imî'dəm sən'yə kəlgəy (۵) من اون ایلر ایمیدم سنیه کلگه ی  
 Əgər kəldüy taqı quomam yo'vargəy (۶) اگر کلدوی تاقی قویمام یو وارگه ی  
 Zəmâna bîvafâla'rla rəfi'ğ-ar (۷) زمانا بیوفالارلا رفیق ار  
 Yağın ò quo'mayur ki sən'yə kəlgəy (۸) یاغین او قویمایور کی سنیه کلگه ی  
 Nə mən Fərhad o nə sən Şîrîn òluy (۹) نه من فرهاد و نه سن شیرین اولوی  
 Nə mən Məcnûn nə sən tə Leyli òluy (۱۰) نه من مجنون، نه سن ته لیلی اولوی  
 Vəlî yîz Bîsutûn bî' tîşə vâarum (۱۱) ولی ییز بیسوتون بی تیشه واروم  
 Qazam tâğ u bilim ki rāzî òluy (۱۲) قازام تاغ و بیلیم کی راضی اولوی  
 Bî kağaz yirəküm qâani'la yazdum (۱۳) بی کاغاذ بیره کوم قانیلا یازدوم  
 Gəvərçin bûynida mən onu hasdum (۱۴) گوه رچین بونیده من اونو هاسدوم  
 Gəvərçini uçurtdum həvâka (۱۵) گوه رچینی اوچورتدوم هواقا  
 Közim yûol o üzüm îeşi'kçə qaldum (۱۶) کوزیم یول و اوزوم یئشیکچه قالدوم

- ۱- bōduya در تورکی باستان bōd, bōduna "قد، بدن". در ترکی ترکیه (و آزری) بوی boy. در کلمه -d- حفظ شده است.
- ۲- مانند کتیبه های اورخون حالت مفعول منه (Ablative) -da و -də- است. (-دن)
- ۳- "مان" فارسی به معنی مثل، مانند. از فعل ماییدن به معنای شبیه بودن.
- ۴- (-ar, -ər) (است =dir) معادل (-ərür-ارور) در تورکی باستان است. erti هم از همان ریشه است.
- ۵- وار مانند فعل صرف میشود. بیشک تحت اثر فعل داشتن فارسی است.
- ۶- تلمیح به افسانه فرهاد و شیرین.
- ۷- حالت مفعول به (Dative) به شکل -ka, -ke است. (-ه)
- ۸- حالت مفعول فیه (Locative) به شکل معمولی -ça, -çə- است. در کلمه یوول (yûol) این پسوند حذف شده است. (-ه)

زبان خلیج به لهجه های متعددی تقسیم میشود. از میانشان لهجه تلخاب که در منتهی الیه شمال غربی قرار دارد، از دیگر لهجه ها کاملا متفاوت بوده، حتی از سوی خلیجها به صورت زبانی جدا تلقی میگردد. بعضی از خلیجهائی که کوچ کرده اند هم اکنون در میان قشقایان زندگی میکنند.

(۱۱) - میخوامم آخرین زبان را خراسانی بنامم. این زبان تاکنون شناخته نشده بود. (این وضعیتی تپیک برای ایران است!!!). در حالیکه این زبان از سوی ۸۰۰۰۰۰ تن صحبت میشود. در اثر رزم آرا از این زبان به سادگی با (ترکی) (یعنی ترکی آذربایجانی) یاد میشود. در مقابل در نقشه های اروپائی (در نقشه Fundamenta هم) گفته میشود که در این ناحیه به ترکمنی تکلم میشود. برآستی هم در

خراسان (مخصوصاً در قسمت‌های شمال شرقی، مثلاً گرگان و علاوه بر آن به صورت جزایر زبانی بسیار) به زبان ترکمنی صحبت میشود. اما زبان اصلی (با کنار گذاردن فارسی) ترکی خراسانی است. این زبان در عین حال که شباهت معینی با زبان ترکمنی نشان میدهد (مثلاً حفظ مصوت‌های کشیده) از سوی دیگر به جهات خصوصیات عدیده مهمی به صورت قطعی از ترکمنی جدا میگردد و چه از سوی ساکنان خراسان و چه از سوی مقامات ایرانی جدا از ترکمنی شمرده میشود. طبق اطلاعاتی که رزم آرا میدهد، نقشه مفصل منطقه از سوی آقای رجبی که خود اهل همین منطقه میباشد (اما بسیار زود از این محل جدا شده است) آماده خواهد شد.

در ۵ ام مارس ۱۹۶۹ فرصت ثبت ملزمه ای چند از این زبان حاصل گردید. در مورد این ملزمه ذیلاً توضیح داده خواهد شد. اشخاصی که این ملزمه از سوی آنها گردآوری شده ات، عبارتند از اسماعیل بیدی (۲۷ ساله، تکنیسین) و مهدی فیروزیان (۳۲ ساله، کارمند بانک) و هر دو اهل بجنورد میباشند. از بررسی زبان این دو شخص نتایج زیر بدست میآید:

۱- روشن است که زبان مورد بحث از گروه جنوب غربی زبانهای تورکی است. در *gēz* چشم (به جای *göz*)، *dīş* دندان (به جای *diş*). در تمام زبانهای اوغوز صدای پیشین *-k* و *-t* در تورکی باستان (*kōz*, *tîş*) به *-d* , *-g* تبدیل شده اند.  
 ۲- این زبان مصوت‌های کشیده تورکی باستان را حفظ کرده است. مثلاً *bût* ران، *yâğ* روغن، *kân* خون، *yôl* راه، (در ترکمنی *bût*, *yâğ*, *gân*, *yôl*).

۳- مصوت‌های محافظه شده به طور سیستماتیک در تورکی ترکمنی نیز موجود است (در لهجه های غربی آنادولو نیز مصوت‌های کشیده کوتاه شده اند و بسیار نادراست. مقایسه کنید با *Zeynep Korkmaz, Batı Anadolu Ağızlarında asli vokal* *uzunlukları hakkında, TDAY, Belleten 1953, 197-203*) علی‌رغم این امر، خراسانی غیر از ترکمنی است. این مطلب را حفظ مصوت‌های کشیده ترکی باستان، نه فقط در موضعی که در مصوت‌های ديفتونگ کشیده وجود دارند، بلکه در موارد زیر دیگر نیز روشن میسازد. مشابه آنچه فوقاً مشاهده کردیم، ترکمنی کشیدگیهای ديفتونگ را محافظه نموده، کشیدگیهای ساده را نیز کوتاه کرده است. یعنی *âat* به جای *ât* (اسم)، اما *baş* به جای *bâş* (سر). خراسانی کشیده گیهای ساده را نیز محافظه کرده است. *bâş* (سر)، *îç* (سه)، (در ترکمنی *üç*، اما در خلیج *îç-ûş*، در کاشغری *üç*).

در نکات مهم دیگری نیز خراسانی به وضوح از ترکمنی جدا میگردد. از جمله تبدیل *ö* به *e* و *ü* به *i* است. در این امر بی شک تاثیر زبانهای ایرانی موجود است. در فارسی صداهای *ö* و *ü* موجود نمیشد. (مقایسه کنید با شیوه فوق الذکر گلوگاه از ترکی آزری. در آنجا نیز تحت تاثیر فارسی به همان شکل صداهای *ö* و *ü* تغییر یافته اند. فقط این نیز هست که *ü* به *u* تبدیل شده است). مقایسه کنید با مثالهای داده شده در فوق، *gēz* (به جای *göz*) و *îç* (به جای *üç*). چند مثال دیگر: *gîn* (به جای *gün*)، *sît* (به جای *süt*)، *dîert* (به جای *dört*)، *elmâk* (به جای *ölmek*) و غیره (به ترتیب به معنی چشم، سه، روز، شیر، خیس، چهار، مردن).

در بعضی موارد، خراسانی شکل‌هایی را که یادآور زبانهای دیگر تورکی است، از خود نشان میدهد. از این جمله *ilân* (ترکمنی *yılân*)، *ilan* ترکی آزری را بخاطر میآورد. باز *dūdak* (در ترکمنی *dōdak*)، در آزری *dodaq*) بسیار بیشتر از زبانهای اوغوزی رایج در شرق یعنی ترکمنی و آزری که به لحاظ جغرافیایی به خراسانی نزدیک‌ترند، یادآور ترکی ترکیه (*dudak*) است. (آیا میبایست شکل *dudok* اوزبکی را با این کلمه خراسانی توضیح داد؟ مقایسه شود با *A. K. Borovkov, Uzbeksko-Russkiy Slovar*, (Moskova, 1959, 153)

اضافه بر موارد فوق، خراسانی دارای بعضی اشکال ویژه است که در هیچ کدام از زبانهای دیگر اوغوز مشاهده نمیشود. از این جمله:

-k به عنوان صدای آخر همیشه به y-ی تبدیل شده است. مثلا eşey به جای eşek، iney بجای inek، eley به جای elek، otirdi با i بسته به جای oturdu (به موازات این، otirdi با i باز به جای oturdu). این وضع را میتوان با تبدیل k در اشکال eşek-eşeyim توضیح داد.

u را پس از هجای اول به طور طبیعی به شکل 1 میبینیم. به عنوان مثال odın به جای (odun)، u در هجای اول نیز میتواند به 1 تبدیل شود. Bırın به burın و burun به yımırta و yımırta به yumırta به yumurta).

خراسانی دارای کلمات منحصر به خود بسیاری است. از این جمله:

eyāğē پدربزرگ، eyane مادر بزرگ eyü به ana, edgü âğa, پدر خوب، مادر خوب. (در ترکمنی این کلمه فقط در اصطلاح eygörmek به معنای دوست داشتن، خوش آمد، محافظه شده است). ağızke (پنجره) که احتمالاً از کلمه ağız ساخته شده است. در مقابل در زبانهای دیگر جنوب غربی کلمه فارسی پنجره جایگزین شده است. در ترکی ترکیه pencere و آزری پنجره pəncərə، ترکمنی pencire

در بعضی موارد خراسانی خصوصیات باستانی را حفظ نموده است و از این نظر با ترکمنی در یک مسیر قرار دارد. از این جمله:

bermek به جای vermek و bo بجای var، حرف b حفظ شده است. صدای ñ حفظ گردیده است. مانند oturdiñ (به جای oturdu)، onun dili (به جای onun dili).

چند کلمه خاص خراسانی به عنوان آخرین مطلب داده میشود:

ôrinçe (یونجه در ترکی ترکیه و آزری yonca، ترکمنی yorunça). towli تگرگ (ترکی ترکیه و آزری dolu، ترکمنی dolı، خلج tuolo و اشکال مشابه از ریشه tōli در تورکی مادر). eki (در ترکی ترکیه و آزری و ترکمنی iki)، اما اشکال مختص به لهجه ها در آزری ekki، ترکمنی eki). yığlamak گریستن (ترکی ترکیه و آزری ağlamak، ترکمنی ağlamak، اما کلمه yığlamak در بسیاری از شیوه های دیگر ترکی کلمه ای شناخته شده است. شکل باستانی آن نیز yığla است).

همانطور که از مثال فوق الذکر دیده میشود، خراسانی در بعضی موارد -h، ه را حفظ نموده است. اما این وضعیت مانند آنچه که در زبان خلج دیده میشود ثابت و پایدار نیست. (مقایسه شود با آزری hol و غیره. اما در ترکمنی öl).

این زبان خصوصیات بسیار دیگری نیز دارد، ملزمه جمع آوری شده در مقاله دیگری چاپ خواهد شد، فعلا بدین مقدار بسنده میشود (آیا این زبان با زبانی که در F. A. Abdullayev, Fonetika Chorezmskich Govorov, Taškent 1967 تحت نام اوغوز-اوزبک تصویر میشود و در واقع میبایست اوزبک-اوغوز باشد رابطه ای دارد؟)

----

طبقه بندی زبانهای اوغوز که تاکنون در سه گروه انجام میگرفت، اکنون باید با گروه بندی چهارگانه زیر تعویض شود:

- ۱- اوغوز غربی  
ترکی ترکیه  
ترکی آذربایجانی
- ۲- اوغوز شرقی  
ترکی خراسانی  
تورکی ترکمنی

در این طبقه بندی زبانهای ۱ و ۲ به هم و زبانهای ۳ و ۴ به یکدیگر نزدیکتراند به گونه ای که هر دوتای آنها یک زیرگروه را میتوانند تشکیل دهند. از سوی دیگر ترکی آذربایجانی از بعضی لحاظ گذر از ترکی ترکیه به اوغوز شرقی را نشان میدهد. (مثلا حالت مفعول پس از مصوت ni-نی، در ترکی ترکمنی kişi-ni، ترکی ترکیه -ی kişi-yi). به موازات این خراسانی نیز در بعضی موارد گذار از ترکمنی به اوغوز غربی را نشان میدهد. مثلا ایلان ilan مانند ترکی آزری، در ترکی ترکیه yılan ییلان). بدینگونه ترتیب ۱ و ۲ و ۳ و ۴ نیز تائید میشود.

خلاصه کنم، تدقیق و بررسی زبانهای تورکی در ایران، تابلویی از منطقه عمومی زبانهای تورکی را که امکان بدست آوردن آن تاکنون فراهم نبوده است بدست میدهد. بدون انجام این بررسی، بنیانگذاری تورکولوژی مکمل و بی نقص امکان ندارد. قدمهای بزرگی به سوی لیبریزاسیون در کشور (ایران) برداشته میشود. بیشک این جریان لیبریزاسیون منحصر به محدوده اجتماعی نبوده (مانند کاهش فاصله طبقاتی) در حیطه ملی (کاهش تنشهای معین بین ملل مختلف در ایران) نیز آثار خود را نشان خواهد داد. تنشهای موجود و قبل از هر چیز تشکل ایران از ملل مختلف (از سوی دولت ایران نیز) نباید به صورت مسئله ای که وجود ندارد انکار شود. (Litt: "Nicht" "wegsehen, sondern hinsehen macht die Seele frei" نه خود را به ندیدن زدن است که روح را نجات خواهد داد). اما نشانه های خوبی از کاهش این تنشها وجود دارد. بیشک طبقات پائین مردم ایران فهیم و با درکند و پیشداوری ای بر علیه زبانها و انسانهای بیگانه ندارند. این رفتار کم کم در دوایر دولتی نیز جایگزین میشود. ایران با ملل دارای حقوق برابرش، که صاحب فرهنگ و زبانهای متفاوتند، میتواند به صورت سوئیس شرق درآید و آن موقع است که زمان بررسی دقیق ملل مختلف ساکن در ایران از جهات مختلف فرارسیده است. و بدینگونه علم فیلولوژی و تورکولوژی به مقیاسی که از امروز نمیتوان آنرا تخمین زد، غنیتر خواهد شد.